



یادداشت دانشجویی



برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها چه کنیم

دینی نیز با سیاستگذاری دولت تقویت می‌شود. اما باید توجه داشت که حضور دولت لزوماً به معنای کافی بودن اقدام‌های دولتی نیست و بوروکراسی دولتی یکی از موانع اساسی در پیشبرد امور در ایران است و اینکه تصور شود با سیاستگذاری و ابلاغ صرف مصوبات، کاری از پیش خواهد رفت، تصوری خام خواهد بود. باز هم تجربه نشان می‌دهد که با مکانیسم‌های مجازات-پاداش و با استفاده از افرادی که منش کارمندی دارند و به صورت از سرپازگنی کار را انجام می‌دهند، اسلامی شدن حاصل نمی‌شود و نیاز به افرادی معتقد و دغدغه‌مند، چه در دولت و چه در خارج آن است تا این فرآیند را پیگیری کنند. باید روحیه‌ای جهادی با تلاشی عالمانه تلفیق شود و جنبشی فراگیر سرتاسر دانشگاه‌ها را در بر بگیرد تا روندی رو به رشد داشته باشیم.

واقعیت این است که بسیاری از متولیان اسلامی کردن دانشگاه‌ها اهمیت چندانی برای جمع‌های کوچک استادی و فعالیت‌های دانشجویی قائل نیستند و تصور نمی‌کنند که خیلی از این دانشجویهای عادی که در گروه‌های کوچک مطالعاتی و پژوهشی جمع شده‌اند، تأثیراتی به مراتب بیشتر از این فعالیت ستادی دارند، اگر از همین آب باریک حمایت به عمل آید جوی‌ها و رودها تشکیل خواهد شد. حتی نگاه سیاستگذاران به بدنه استادان، محدود به همین ۱۵-۱۰ استاد عضو یا همکار شورای عالی انقلاب فرهنگی و بدنه‌ی دولت است. از این حیث اگر حکم سیاستگذار در ارتباط و حمایت بدنه دانشگاهی می‌توان حکم کرد.

راهکار اصلی اسلامی شدن دانشگاه‌ها چیست؟

اگر فرآیندی بودن اسلامی شدن را پذیرفته‌ایم، به نظر می‌رسد راهکار اصلی اسلامی شدن، از نوع فرآیند باشد. بنابراین هر راهکاری که تحمیلی، ضربتی و کوتاه‌مدت باشد محکوم به شکست خواهد بود. از نظر نگارنده راهکار اصلی اسلامی شدن دانشگاه‌ها «ترویجی» است. البته ترویج به معنای اعم کلمه، ترویج سند دانشگاه اسلامی، مفهوم اسلامی شدن، دعوت کردن از استادان مختلف و نیز درگیرکردن بدنه استادان و دانشجویان منتقد، اجرای مشارکتی فعالیت‌های لازم همه و همه را شامل می‌شود. باید روی جمع‌های کوچک ولی عمیق دانشجویی-استادی سرمایه‌گذاری کرد تا نتیجه کار احتمالاً بعد از هشت تا ۱۰ سال به دست آید و البته طی این مدت روند فعالیت‌ها مرتب رصد و پایش شود.

اسلامی، باید گفت که همچنان بین مسئولان و متولیان امر در رابطه با تعریف «دانشگاه اسلامی» اختلاف نظر وجود دارد و تعریف واحد و مشخصی مورد توافق قرار نگرفته است، اما در مجموع می‌توان گفت گستره قلمرو اسلامی شدن از ابتدای انقلاب بسیار افزایش پیدا کرده و در مجموع بین مسئولان فهمی عمیق‌تر در این رابطه حاصل شده است.

در دوران کنونی اگرچه هنوز کسانی هستند که اسلامی شدن را صرفاً با احداث نمازخانه، اخراج استادان ضدانقلاب و اصلاح وضعیت پوشش دانشجویی همسان می‌گیرند اما بسیاری از مسئولان امروز معتقدند اقدام‌های فوق، دردی را دوا نخواهد کرد و این ساختار دانشگاهی است که باید اصلاح شود؛ متون درسی باید تغییر کند؛ فضای حاکم بر دانشگاه باید فضای تعلیم و تربیت باشد و از همه مهم‌تر علم دینی بر دانشگاه‌ها حاکم شود.

دیگر آنکه اگرچه داشتن تعریف مشخص از دانشگاه اسلامی به لحاظ «زنی» اهمیت اولی دارد، اما لزوماً انجام هر اقدامی برای اسلامی شدن بدان وابسته نیست؛ چون مسائل تئوریک و علمی - به‌ویژه در حوزه علوم انسانی - از سنخ صفر و یک نیست که جواب مشخص داشته باشد و پاسخ به این مسائل به راحتی به دست نخواهد آمد و بر این اساس نباید تمامی اقدام‌های مربوط به اسلامی شدن را متوقف به رسیدن به تعریف مشخص کرد.

در واقع اگر اسلامی شدن منوط شود به اینکه ابتدا «نظریه‌اسلامی شدن دانشگاه‌ها» تولید شود آنگاه این سوال پیش می‌آید که چگونه و بر چه اساسی می‌توان بین نظریه‌های مختلف به علم دینی و دانشگاه اسلامی یکی را مبنای کار اسلامی شدن قرار داد؟ از حدود ۱۰ رویکرد به علم دینی کدام یک را و به چه دلیل باید پذیرفت؟ و آیا اساساً برای مسائل علمی می‌توان راه‌حل سیاسی ارائه کرد؟ چقدر می‌توان به اسلامی شدن از راه ساختارهای دولتی امیدوار بود؟ آیا اساساً با فعالیت ستادی دانشگاه اسلامی می‌شود یا باید به سراغ خود دانشگاه‌ها رفت؟

بسیاری از امور اگر از جانب دولت سیاستگذاری نشود هیچ‌کس به صورت فردی توانایی اصلاح آن را نخواهد داشت؛ برای مثال نقش دولت در اسلامی کردن ساختار اداری دانشگاه، تدوین آیین‌نامه‌های ارتقا و جذب استادان، تغییر سرفصل دروس، ساعات تدریس، عناوین پژوهشی و... واضح است. همچنین برخی فعالیت‌های ترویجی (رسانه‌ای، فرهنگ‌سازی، همایشی و...) در ایجاد دانشگاه اسلامی و نیل به علم

محمدحسین سیاح‌طاهری، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی در مقاله‌ای برخی سوالات اساسی پیرامون اسلامی شدن دانشگاه‌ها را مطرح کرده و به آنها پاسخ داده است؛ سوالاتی که هر کدام شاید نیازمند یک مقاله جداگانه باشد. بخشی از این مقاله به شرح زیر است.

میزان اهتمام متولیان امر به مساله اسلامی کردن دانشگاه‌ها چقدر بوده است؟ آیا مشکل در نبود اراده برای اجراست یا نبود امکانات؟ نتوانسته‌اند یا نخواستند؟

تصور ابتدایی بسیاری از منتقدان این است که مسئولان متولی اسلامی شدن دانشگاه‌ها به لحاظ شخصی اعتقادی به اسلامی شدن نداشته‌اند و از روی عمد اهتمام لازم را برای اجرایی کردن این مساله به خرج نمی‌داده‌اند. برخی نیز وضعیت کنونی دانشگاه‌ها را به شرایط زمانی و سیاسی ربط می‌دهند که برای مثال در دوره اصلاحات متولیان اسلامی شدن این مساله را به مرور به فراموشی سپرده و ضد آن عمل کرده‌اند و در دولت کنونی هم این جریان انحرافی و لیبرالی موجود در دولت است که نمی‌گذارد فرآیند اسلامی شدن دانشگاه‌ها به نتیجه برسد!

واقعیت این است که اگرچه تصمیم‌های شخصی افراد از ابتدای انقلاب اسلامی روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها را تند یا کند کرده است، قاطبه جریان متولی این فرآیند در دوره‌های سیاسی مختلف افرادی متعهد، دغدغه‌مند و دلسوز تشکیل می‌داده‌اند که بنا به فهم خود اقدامی را در این راستا صورت داده‌اند. از ابتدای انقلاب ده‌ها نهاد و صدها نفر از نخبگان تلاش کرده‌اند برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها کاری انجام دهند؛ از تشکیل ستاد اسلامی کردن دانشگاه‌ها گرفته تا شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، سازمان سمت و ده‌ها موسسه‌دیگر همگی قصد داشته‌اند گامی برای اسلامی شدن بردارند و نمی‌توان تمام ایشان را به عناد و کارشکنی متهم کرد.

آیا مسئولان متولی اسلامی کردن دانشگاه‌ها تعریف مشخصی از اسلامی کردن را پذیرفته‌اند؟ آیا بدون داشتن تعریف مشخص از «دانشگاه اسلامی» و «علم دینی» می‌توانیم به دانشگاه اسلامی برسیم؟ آیا به نظریه جدیدی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها نیاز است یا همان نظریه‌های قبلی کفایت می‌کنند؟

متأسفانه بعد از گذشت سی و چند سال از انقلاب



مال در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کنند، به کرسی‌های آزاداندیشی نمی‌آیند

رومی عملکرد استادان وجود ندارد و همین مساله باعث شده برخی استادان به راحتی چنین بحث‌هایی را در کلاس‌های درس بیان کنند.»

عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال گفت: «یکی دیگر از اقدامات مهمی که باید در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های درخصوص این استادان انجام شود، برخورد مدیریت دانشگاه با آنهاست، البته منظور از برخورد، برخورد سلبی نیست بلکه باید برخورد ایجابی با آنها صورت گیرد تا بتوان به راه‌حلی درست رسید.»

حبیبی تصریح کرد: «گاهی شاهد هستیم که برخی دانشجویان نیز گزارش‌هایی از عملکرد و رفتار این گونه استادان به مدیریت و مسئولان دانشگاه ارائه می‌دهند که طبیعتاً باید این گزارش‌ها مورد بررسی دقیق صورت بگیرد و در صورت صحت آن، نسبت به عملکرد آن استاد برخورد ایجابی صورت بگیرد.»

او اظهار داشت: «قطعاً راه‌سازی استادان در دانشگاه‌ها به هیچ عنوان کار درستی نیست و باید روی رفتار و

رومی عملکرد استادان وجود ندارد و همین مساله باعث شده برخی استادان به راحتی چنین بحث‌هایی را در کلاس‌های درس بیان کنند.»

عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال گفت: «یکی دیگر از اقدامات مهمی که باید در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های

درخصوص این استادان انجام شود، برخورد مدیریت دانشگاه با آنهاست، البته منظور از برخورد، برخورد سلبی نیست بلکه باید برخورد ایجابی با آنها صورت گیرد تا بتوان به راه‌حلی درست رسید.»

حبیبی تصریح کرد: «گاهی شاهد هستیم که برخی دانشجویان نیز گزارش‌هایی از عملکرد و رفتار این گونه استادان به مدیریت و مسئولان دانشگاه ارائه می‌دهند که طبیعتاً باید این گزارش‌ها مورد بررسی دقیق صورت بگیرد و در صورت صحت آن، نسبت به عملکرد آن استاد برخورد ایجابی صورت بگیرد.»

او اظهار داشت: «قطعاً راه‌سازی استادان در دانشگاه‌ها به هیچ عنوان کار درستی نیست و باید روی رفتار و



باید در دانشگاه‌ها فضای عقلانیت و گفت‌وگوی دائمی شکل بگیرد



تربیت نیروی کارآمد و متخصص کشور است، بیان‌کننده خلاف آزاداندیشی و مصالح جوانان ماست. دبیر کرسی‌های آزاداندیشی سازمان بسیج دانشجویی گفت: «استادان علوم انسانی درس خوانده مکتب غرب هستند و متأسفانه علاوه بر اینکه تنها علوم غربی را فراگرفته‌اند، قواعد فکر کردن و اندیشیدن هم در آنها نهاده شده و تعداد زیادی از آنان معتقدند که پارادایم‌ها و قواعد فکر کردن فقط همان قواعد غربی است و چون انقلاب و مبانی انقلاب با مبانی فکری و اندیشه‌ای غرب در علوم انسانی در تقابل است برخی از استادان این رشته بعضاً خود را در جبهه غرب و در مقابل اندیشه انقلابی می‌بینند.»

او در همین زمینه افزود: «این تقابل، خود را در دانشگاه‌های ما نشان می‌دهد و می‌بینیم که این استادان گاهی کلاس درس را بدون اجازه نقد دادن به دانشجویان و استادان منتقد، به جبهه مقابله با انقلاب و دفاع از غرب تبدیل می‌کنند که خود حکایت از جمود فکری در علوم انسانی در دانشگاه‌های ما دارد.»

سیدمحمدرضا موسوی، دبیر کرسی‌های آزاداندیشی سازمان بسیج دانشجویی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «متأسفانه استادانی داشته‌ایم که کلاس‌های درس را تعطیل می‌کنند و به مباحث سیاسی و ضداسلامی می‌پردازند و به شخصه در کلاس این آنان حضور داشته‌ام. این استاد وقت کلاس را که باید به درس، تدریس و تعمیق دانشجویان در تخصص مربوط به آن تخصیص یابد به صحبت کردن از عقاید و نظراتی اختصاص می‌داد که نه تنها با اصول و عقاید مذهبی فرهنگی ما زاویه داشت بلکه هیچ ارتباطی هم با تخصصش نداشت.»

وی با بیان اینکه آزاداندیشی در مقابل جمود فکری و هرج و مرج است، اظهار داشت: «اینکه کسی بخواهد با شعار آزاداندیشی دست به اشاعه افکار ضاله بزند و اجازه ایجاد فضای پاسخگویی به شبهات و نقد افکارش را هم ندهد خلاف آزاداندیشی و اخلاق و ادب نقد است. البته اینکه استادی به مساله‌ای نقد داشته باشد نه‌تنها عیبی ندارد، بلکه ظرفیتی برای اصلاح یا ارتقایش نیز خواهد بود و کسی نباید با این فضا مخالفت کند. اگر این فضا در دانشگاه‌ها و فضای نخبگان ما به وجود بیاید انتظار جامعه متعالی دور از ذهن نخواهد بود.»

دبیر کرسی‌های آزاداندیشی سازمان بسیج دانشجویی تصریح کرد: «اگر استادان ما به عنوان نخبگان فضای علمی کشور منطق محور و آزادانه حرف علمی و نقدانه خود را در مورد مسائل و چالش‌ها و علوم مختلف بیان کنند و نقد دیگران را هم نسبت به نظرات خودشان به‌منظور تقویت یا اصلاح خود بشنوند ظرفیت بزرگی برای فضای علمی کشور خواهد بود؛ اما اینکه استادی بدون تخصص و خارج از چارچوب، عقاید و افکار خود را که در بسیاری از مواقع هم با واقعیت و منافع جامعه و کشور در تضاد است در کلاس‌های درس که برای

شهریه دانشجویان نباید به جیب استادان ضداسلام و ضدانقلاب برود



برایشان ایجاد نکنند، در حالی که آنها امروزه به راحتی در دانشگاه‌ها و کلاس‌های درس صحبت‌های خود را مطرح می‌کنند و هیچ مشکلی نیز ندارند.» شورای گفت: «انتظار از مسئولان دانشگاه این است که با چنین استنادی برخورد شود؛ چراکه نمی‌توان در جمهوری اسلامی ایران تربیون را در اختیار کسانی گذاشت که یکطرفه صحبت کنند.» او خاطرنشان کرد: «در دانشگاه آزاد اسلامی که پول استادان توسط شهریه دانشجویان پرداخته می‌شود، برخورد با این گونه استادان از انتظارات اصلی دانشجویان است و نباید پول دانشجویان به جیب استادان ضدانقلاب و ضداسلام برود و در مقابل مردم که برای انقلاب اسلامی هزینه داده‌اند در برخی از نیازهای اصلی خود با مشکل مواجه شوند.» او خاطرنشان کرد: «دانشگاه آزاد اسلامی پسوند اسلامی دارد و قطعاً مطالبه ما این است که جلوی این استادان در دانشگاه گرفته شود؛ چراکه دانشگاه آزاد اسلامی جای استادان ضداسلام و ضدانقلاب نیست.»

وحید شورایی، مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»، درباره صحبت‌های علی اکبر ولایتی مبنی بر اینکه در دانشگاه آزاد اسلامی جایی برای مبلغان ضداسلام و انقلاب وجود ندارد، گفت: «متأسفانه برخی از استادان ما چه در دانشگاه آزاد اسلامی و چه سایر دانشگاه‌ها به جای اینکه به مباحث درسی بپردازند، زمان کلاس را صرف مسائل سیاسی با چاشنی سیاه‌نمایی علیه انقلاب اسلامی می‌کنند و در مقابل نیز به هیچ عنوان پاسخگوی سوالات و انتقادات دانشجویان نیستند.»

شورایی بیان داشت: «قطعاً همه اعضای هیات علمی و حتی استادانی که حق التدریس هستند هنگام عضویت در هیات علمی و حضور در کلاس باید باید صلاحیت عمومی و تخصصی شان مورد تأیید قرار بگیرد. حال چطور پای برگه‌ای را امضا می‌کنند که به آن پایبندی ندارند، قطعاً آنها در وهله اول صداقت خود را زیرسوال می‌برند و باید آنها را برای عدم صداقت کنار گذاشت.»

مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی افزود: «در سر کلاس یکی از درس‌هایمان یکی از استادان صحبت‌هایی را در نقد کلیت انقلاب اسلامی مطرح کرده بود و حتی زمانی که به او گفتیم می‌توانیم کرسی آزاداندیشی برگزار کنیم و او در کنار یکی دیگر از استادان که نظر مخالف دارد، به مناظره بپردازد، نه‌تنها قبول نکرد بلکه عنوان کرد که حضورش در کرسی‌های آزاداندیشی باعث می‌شود مسائل امنیتی و انضباطی برای او ایجاد شود، هر چند هیچ کدام از دانشجویان حاضر در کلاس صحبتش را قبول نکردند.»

مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی گفت: «البته زمانی برخی از دوستان ما به دنبال ایجاد مصونیت قضایی برای این قبیل استادان بودند تا حضور آنها در کرسی‌های آزاداندیشی مشکلی را